

صلاحیت مدنی جهانی در قانونگذاری ملی و رویه نهادهای حقوق بشری

عاطفه شیخ اسلامی (نویسنده مسئول)

گروه حقوق، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

atefe.sheikhslami@iau.ac.ir

نغمه رحمانی

گروه حقوق، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

naghmeh.rahmani@iau.ac.ir

**قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۵ (بهار ۱۴۰۵) نشریه پژوهشهای حقوقی**

## چکیده

ضرورت برقراری عدالت بین‌المللی یکی از مهمترین تضمینات حقوق بشر در برابر موارد نقض آن بویژه ارتکاب جنایات بین‌المللی است. با توجه به رسالت اصلی حقوق کیفری بین‌المللی در برقراری صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با چنین جنایاتی، در کنار اصل صلاحیت جهانی به عنوان اصلی در مقابله با بی‌کیفرمانی، اصل صلاحیت مدنی جهانی به عنوان اصلی در راستای مقابله با بی‌خسارت مانی بزه‌دیدگان موارد نقض حقوق بشر قابل طرح است. در اعمال اصل صلاحیت جهانی در دو بعد کیفری و مدنی، محاکم ملی به مثابه ارکان بین‌المللی عمل کرده و با اعمال این اصول، ارزش‌های متعالی جامعه بین‌المللی و وظیفه دولت‌ها در تعقیب، مجازات و جبران خسارات قربانیان که توسط حقوق بین‌الملل عرفی بر عهده آن‌ها قرار داده شده است، حفظ می‌گردد. در بستر مفهوم سنتی از حاکمیت، اعمال اصل صلاحیت جهانی مدنی، می‌تواند منجر به منازعات صلاحیتی و مداخله در امور داخلی دولت‌ها تلقی شود. اما در پرتو تغییر در مفهوم حاکمیت به مثابه مسئولیت، وظیفه عام دولت‌ها در پیگرد موارد نقض حقوق بشر و جرائم بین‌المللی از طریق دکترین مسئولیت حمایت پشتیبانی می‌شود. پژوهش حاضر، با روش توصیفی و تحلیلی، در پی پاسخ به این پرسش است که توسعه صلاحیت جهانی مدنی در ارتقاء عدالت در برابر جرایم بین‌المللی چگونه از طریق تقویت سازکارهای مسئولیت حمایت امکان‌پذیر است؟ واکاوی امکان جمع حاکمیت دولت‌ها، مصونیت دولتی و ضرورت جبران خسارات قربانیان موارد نقض حقوق بشر در پرتو شناسایی اصل صلاحیت جهانی مدنی در بستر حقوق بین‌الملل به موازات صلاحیت جهانی کیفری، ضرورت انجام پژوهش حاضر است.

**کلید واژه‌ها:** صلاحیت جهانی، عدالت، جرائم بین‌المللی، مسئولیت حمایت، صلاحیت مدنی جهانی.

## مقدمه

اصل صلاحیت جهانی در پاسخ به این سؤال مطرح می‌گردد که چگونه می‌توان حقوق بین‌الملل کیفری را به مرحله اجرا درآورد؟ این اصل به دولت‌ها اجازه می‌دهد که صلاحیت کیفری خود را بر افرادی اعمال نمایند که مرتکب جنایاتی علیه حقوق بین‌الملل شده‌اند و در عین حال نسبت به آن‌ها اصول صلاحیتی سنتی و مرسوم قابل اعمال نمی‌باشد.<sup>۱</sup> در واقع اعمال این اصل، اعمال صلاحیت از سوی دولتی است که هیچ پیوند سرزمینی یا ملی با موضوع مورد رسیدگی ندارد. لذا ممکن است در تعارض با اصل عدم مداخله<sup>۲</sup> باشد که از آثار و نتایج اصل حاکمیت کشورها و از عناصر مهم تشکیل‌دهنده نظم حقوقی و سیاسی بین‌المللی مبتنی بر منشور ملل متحد است و صرفاً تا جایی توسعه می‌یابد که اصل صلاحیت جهانی اعمال می‌شود و نمی‌تواند در اعمال اصل صلاحیت جهانی محدودیت ایجاد نماید.<sup>۳</sup> منتها نیاز است تا گستره اعمال هر یک از این اصول و مرز میان آن‌ها به درستی معلوم شود.

در اعمال اصل صلاحیت کیفری و مدنی جهانی، محاکم ملی به مثابه ارکان بین‌المللی عمل کرده و با اعمال این اصول، ارزش‌های متعالی جامعه بین‌المللی حفظ می‌گردد. بسیاری از نویسندگان استدلال می‌کنند که بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، وظیفه‌ای بر عهده دولت‌ها به منظور جرم‌انگاری، تعقیب، مجازات و جبران خسارات قربانیان در موارد نقض فاحش حقوق بشر قرار داده شده است<sup>۴</sup> که اعمال آن می‌تواند منجر به ایجاد صلاحیت موازی دولت‌ها و مداخله در امور داخلی کشورها گردد. بنابراین منطبق حقوقی و الزامات عدالت، مستلزم دستیابی به یک راه‌حل قابل اجرا برای رفع این شکاف است. مفهوم امنیت بشری در گزارش سال ۲۰۰۴، با طرح نظریه مسئولیت حمایت، مسئولیت جامعه بین‌المللی برای حمایت از جمعیت‌ها در برابر فجایع را مقرر می‌کند؛ به‌ویژه زمانی که دولت مربوطه قادر یا مایل به انجام این وظیفه نباشد. این نظریه در مه ۲۰۰۲ در شورای امنیت مطرح، سپس در سند نهایی اجلاس جهانی سران در سال ۲۰۰۵<sup>۵</sup> درج و در نهایت توسط قطعنامه ۱۶۷۴ (۲۰۰۶) شورای امنیت در خصوص حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه رسمیت یافت.<sup>۶</sup> در سند نهایی اجلاس جهانی، در پرتو تغییر مفهومی حاکمیت در سیاست جهانی در نتیجه‌ی روند جهانی‌شدن و درک حاکمیت به مثابه مسئولیت، جامعه بین‌المللی متعهد می‌گردد تا از ابزارهای دیپلماتیک، بشردوستانه و سایر ابزارهای مسالمت‌آمیز برای حفاظت از جمعیت‌ها در برابر جدی‌ترین جرائم ناقض حقوق بشر استفاده کند. در صورت ناتوانی یا عدم تمایل دولت‌ها، شورای امنیت یا نهادهای بین‌المللی، در اجرای این تعهد، صلاحیت جهانی به‌عنوان یک ابزار مسالمت‌آمیز و فراملی، اهمیت می‌یابد. در واقع مسئولیت حمایت با نیاز به حفظ صلح و امنیت، مداخله قضایی در مورد نقض‌های جدی حقوق بشر را توجیه می‌کند.<sup>۷</sup> بنابراین، اصل مذکور، توجیه مناسبی برای به‌کارگیری قواعد حقوقی خارجی به‌ویژه صلاحیت جهانی است. از این‌رو بر ادعاهای حاکمیتی که ممکن است مانع دفاع از امنیت انسانی شوند، غلبه کرده و جامعه بین‌الملل را به انجام حفاظت از بشریت تشویق می‌کند. تکامل نظریه مسئولیت حمایت، به آن، مضمون حمایتی جهانی در برابر جنایاتی می‌دهد که مبنایی موثر برای مداخله، صرف‌نظر از قلمرو یا ملیت مرتکبان آن‌ها است.<sup>۸</sup> این ویژگی‌ها، اصل مسئولیت حمایت<sup>۹</sup> را

<sup>۱</sup>Theodor Meron, *Humanization of International Law The Hague Academy of International Law*, Martinus: (Hague: Martinus Nijhoff, (2006), 118.

<sup>۲</sup> بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد: «هیچ یک از مقررات این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌داند تا در کارهایی که اساساً مربوط به صلاحیت ملی یک مملکت است مداخله کند و ...»

<sup>۳</sup> شهرام بهمن تاجانی، «حاکمیت و مسئولیت در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست جهانی، ۴، (۱۳۹۴)، ۲۵۲.

<sup>۴</sup> کریستیان تاموشات، حقوق بشر، مترجم حسین شریفی طراز کوهی (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶)، ۵۲۶-۵۲۵.

<sup>۵</sup> United Natinal General Assembly, 2005 World Summit Outcom, GA Res. 60/1, UN Doc. A/RES/60/1 (16 September 2005)

<sup>۶</sup> مهدی عباسی سرمدی، «دکترین مسئولیت حمایت: از روند شکل‌گیری تا کاربرد ابزاری آن»، سیاست جهانی، ۳ (۱۳۹۲)، ۱۶۶.

<sup>۷</sup> Ibid. para 139.

<sup>۸</sup> Yassin Abdalla Abdelkarim, "Employing the Responsibility to Protect (R2P) to Impose Universal Jurisdiction Regarding Cyber-Terrorism," *Journal of Digital Technologies and Law* 1, no. 4 (2023): 994-1022, <https://doi.org/10.21202/jdtl.2023.43>.

برای اعمال صلاحیت جهانی در زمینه جنایات، تعقیب و ریشه کن کردن مصونیت مرتکبان آنها واجد شرایط می‌کند.<sup>۹</sup> از این رو، می‌توان گفت که مسئولیت دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در قبال جرائم بین‌المللی، مسئولیتی حمایتی است.<sup>۱۱</sup> در سال‌های اخیر با افزایش چشمگیر موارد نقض حقوق بشر، بهترین راه برای مقابله با جنایات ارتكابی، پیشگیری و حفاظت به عنوان بخشی از یک فرایند دائمی است.<sup>۱۲</sup> دکت‌ترین مسئولیت حمایت یک تفکر جدید در حاکمیت است که تأکید می‌کند که حاکمیت به معنای امتیاز نیست بلکه به معنای مسئولیت است.<sup>۱۳</sup> دکت‌ترین مذکور اگر چه با چالش‌هایی همچون چالش مفهومی<sup>۱۴</sup>، نهادی<sup>۱۵</sup>، سیاسی<sup>۱۶</sup> و چالش مربوط به تعارض حاکمیت دولت<sup>۱۷</sup> روبه‌رو است، روند جرم‌انگاری، تعقیب، مجازات و جبران خسارات قربانیان را تقویت و از وظیفه عام دولت‌ها در پیگیری جرائم بین‌المللی پشتیبانی می‌نماید. همچنین، اعمال اصل صلاحیت جهانی در مقابله با جرائم بین‌المللی، با چالش‌هایی در ۳ سطح قانونی، اجرایی و عملی روبه‌رو است. سطح قانونی شامل فقدان قانون یا قانونگذاری ناکافی<sup>۱۸</sup>، محدودیت‌های مکانی-زمانی<sup>۱۹</sup> و مشروط بر دستگیری متهمان در قلمرو سرزمینی خود<sup>۲۰</sup>، پذیرش مفهوم مضیق از اصل صلاحیت جهانی توسط دادگاه‌های برخی کشورها، استناد به قاعده منع محاکمه مضاعف جهت فرار از مسئولیت کیفری<sup>۲۱</sup> و مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری خارجی است. سطح اجرایی شامل فقدان یا ناکافی بودن معاهدات استرداد، ممنوعیت استرداد اتباع، استثنائات مربوط به جرائم سیاسی و نظامی، مرور زمان<sup>۲۲</sup>، حضور شاهدان در قلمرو کشورهای دیگر، ترس شاهدان از آثار منفی همکاری با نهادهای عدالت کیفری<sup>۲۳</sup>، پرهزینه بودن انتقال و بررسی ادله در قلمرو سرزمینی غیر از محل ارتکاب جرم می‌باشد<sup>۲۴</sup>. فقدان دانش و تخصص ناکافی قضات و

<sup>۹</sup> نک: محمدحسین جمشیدی، احمد سلطانی‌نژاد و نیکبود معصوم‌زاده، «ارزیابی نظری رابطه مسؤلیت حمایت و حاکمیت دولت‌ها از منظر سازه انگاری»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۲۶ (۱۳۹۵)

<sup>10</sup> Yassin Abdalla Abdelkarim, "Multi-Dimensional Approach to Impose Universal Jurisdiction in International Legal Practice," *International Journal of Law in Changing World* 3, 1(2024): 1-20, <https://doi.org/10.54934/ijlcw.v3i>

<sup>11</sup> شهرام بهمن تاجانی، پیشین، ۲۵۶

<sup>12</sup> *Summary of The 2024 UN General Assembly Plenary Meeting on The Responsibility to protect*, Golobal Senter For The Responsibility To Protect, 25 July 2024, <https://www.globalr2p.org/publications/summary-of-the-2024-un-general-assembly-plenary-meeting-on-the-responsibility-to-protect/>

<sup>13</sup> شهرام بهمن تاجانی، پیشین، ۲۴۰

<sup>14</sup> کریم محمدی و هیبت‌الله نژندی‌منش و سوده شاملو، «جایگاه مفهوم دکت‌ترین مسئولیت حمایت در اصول و مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حقوق اداری»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۶ (۱۴۰۳)، ۱۸، ۲۶۹. Gareth Evans, *The Responsibility to Protect, ending Mass Atrocity crimes Once and For All*, (Bookings Institutional press, 2009), 27

<sup>15</sup> Onu Kingley, "The Legal and Institutional Challenges to Implementation of the R2P Principle" *ABUAD Law Journal*, 1 (2019): Accessed on : September 22, 2022. DOI:10.53982/alj.2019.0701.09-j

<sup>16</sup> یدالله عسگری، *مسئولیت حمایت تحول حاکمیت در پرتو جنبش‌های حقوق بشری (تهران: میزان، ۱۳۹۶)*، ۲۸۶. Aidan Hehir, *The Responsibility to Protect: Rhetoric, Reality and the Future of Humanitarian Intervention*, (2012): 53

Rougieur Antonie, *La théorie de l'intervention d'humanité*, *Revue Générale de International Public*, No. 4: 525

<sup>17</sup> دیدخت صادقی، «مسئولیت بین‌المللی حمایت و حاکمیت دولت‌ها»، *پژوهشنامه روابط بین‌الملل*، ۲۲ (۱۳۹۲)، ۱۳۴. Rianna Keeler, *The Kigali Principles on the Protection of Civilians; Evaluating the Kigali principles from a historical perspective on UN peacekeeping* AJ Bellamy. "Humanitarian 'missions', (Master's Program in Public International Law, Utrecht: Utrecht University, 2017)

Responsibilities and Interventionist Claims in International Society", *Review of International Studies*, 3(2003), 329

<sup>18</sup> Amnesty International, *Universal Jurisdiction: The duty to enact and enforce jurisdiction-Chapter Fourteen(Overcoming Obstacles to Implementing Universal Jurisdiction)*, 2001. <https://www.amnesty.org/en/documents/ior53/017/2001/en/>.

<sup>19</sup> محمد جواد شریعت باقری، «اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری»، *نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران*، ۲۸ (۱۳۸۲)، ۳۸.

<sup>20</sup> ماده ۸ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲

<sup>21</sup> امین زحمتکش و مجتبی جانی پور و مهین سبحانی، «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به عفو جرائم بین‌المللی از منظر قاعده منع محاکمه مجدد»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ۱۰ (۱۳۹۴)، ۱۰۷.

<sup>22</sup> Ibidem. 4

<sup>23</sup> Mais Masadeh, *One Court at a Time: Challenges of Universal Jurisdiction and Enhancing International Justice: Lessons Learned Through Al-Khatib Trial*, *Volkerrechtsblog*, 2022.

<sup>24</sup> Marcin Rojszczak, "e-Evidence Cooperation in Criminal Matters from an EU Perspective", *Modern Law Review*, 2022. <http://doi.org/10.1111/1468-2230.12749>

مقامات مربوطه در زمینه حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و عدم وجود ویژه تحقیق و تعقیب<sup>۲۵</sup> نیز از چالش‌های عملی است که حفظ و اعاده نظم عمومی و بی‌کیفرمانی را با مشکل مواجه خواهند کرد.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای درصدد بررسی مقتضیات صلاحیت مدنی جهانی در جلوگیری از بی‌خسارت‌مانی قربانیان نقض حقوق بشر و جنایات بین‌المللی در بستر قانونگذاری ملی، رویه نهادهای حقوق بشری و چالش‌های آن در جمع با اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل بویژه حاکمیت دولت‌ها و مصونیت سران دولت می‌باشد. از این‌رو، با در نظر گرفتن ضرورت ارزیابی چالش‌های پیش‌روی اعمال صلاحیت جهانی در برابر جنایات بین‌المللی، به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که توسعه صلاحیت جهانی مدنی در ارتقاء عدالت در برابر جرائم بین‌المللی چگونه از طریق تقویت سازکارهای مسئولیت حمایت امکان‌پذیر است؟ و این که نهادهای حقوق بشری چه تدابیری برای جبران خسارت ناشی از نقض فاحش حقوق بشر از طریق اعمال اصل صلاحیت مدنی جهانی اندیشیده‌اند؟ تا از رهگذر پاسخ به آن‌ها به آسیب‌شناسی موانع و چالش‌های موثر در اعمال دکترین صلاحیت مدنی جهانی در ارتقاء عدالت در برابر جرائم بین‌المللی بپردازیم. بدین منظور پس از بررسی مقتضیات صلاحیت مدنی جهانی در قانونگذاری ملی و رویه نهادهای حقوق بشری به کارکرد، چالش‌ها و راهکارهای پیش‌روی آن در ارتقاء عدالت بین‌المللی خواهیم پرداخت.

## ۱- مقتضیات صلاحیت مدنی جهانی در قانونگذاری ملی و رویه نهادهای حقوق بشری:

توجه به زمینه‌ها و ضرورت‌های صلاحیت مدنی جهانی در درک اهتمام به یافتن راهکارهای توسعه آن از اهمیت بالایی برخوردار است. در این زمینه تضمینات نظام حقوق بین‌الملل در حق بر جبران خسارت قربانیان موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، در بستر تحولات آن در قانونگذاری ملی و رویه نهادهای حقوق بشری قابل بررسی است که در این قسمت بدان پرداخته شده است.

### ۱-۱- تضمینات نظام حقوق بین‌الملل در حق بر جبران خسارت قربانیان موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی:

حق قربانی، و سایر افراد دخیل در فرایند نقض هنجار بین‌المللی و جبران خسارت، صرف نظر از کشور محل ارتکاب و تابعیت بزهکار و بزه‌دیده در راستای اطمینان از کفایت سازکارهای ملی و بین‌المللی در جبران خسارت قربانیان، در اسناد بین‌المللی مختلفی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰)، مورد توجه قرار گرفته است که مبنای حمایتی مهمی برای قربانیان به شمار می‌آیند. همچنین، اعلامیه اصول اساسی عدالت سازمان ملل متحد برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت<sup>۲۶</sup> (۱۹۸۵)، در راستای به رسمیت شناختن حق قربانیان سوءاستفاده از قدرت، از دولت‌های عضو خواسته تا اقداماتی را در راستای پیشگیری از جرم و بزه‌دیدگی، شناسایی، تعقیب، استرداد و توقیف دارایی‌های مجرمین، برای استفاده در جبران خسارت قربانیان، اتخاذ نمایند. دولت‌ها باید راه‌حل‌های جبرانی را در هنجارها و قوانین ملی منع سوءاستفاده از قدرت قرار دهند<sup>۲۷</sup>. همچنین در اصول و دستورالعمل‌های اساسی سازمان ملل متحد در مورد حق جبران خسارت برای قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی (۲۰۰۵)<sup>۲۸</sup>، بر اهمیت رسیدگی به مسئله‌ی جبران خسارت برای قربانیان نقض‌های

<sup>۲۵</sup> فضل الله فروغی. «موانع و محدودیت‌های تعقیب داخلی جرائم بین‌المللی»، مجله مطالعات حقوقی، ۲(۱۳۸۹)، ۱۴۸.

<sup>۲۶</sup> United Nations General Assembly, *Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*, General Assembly resolution 40/34, November 29, 1985, <https://www.unodc.org/pdf/rddb/CCPCJ/1985/A-RES-40-34.pdf>

<sup>۲۷</sup> Ibid, 2

<sup>۲۸</sup> the UN Basic Principles and guidelines on the right to a remedy and reparation for victims of gross violations of international human rights law and international humanitarian law

فاحش حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در سطوح ملی و بین‌المللی و اطمینان از سازگاری قوانین داخلی با تعهدات حقوقی بین‌المللی تصریح شده است.<sup>۲۹</sup> مجموعه اصول به‌روز شده سازمان ملل متحد برای حمایت و ارتقای حقوق بشر از طریق اقدام برای مبارزه با مصونیت از مجازات نیز هرگونه نقض حقوق بشر را ایجاد کننده حق جبران خسارت برای قربانیان دانسته که مستلزم وظیفه دولت برای جبران خسارت و امکان درخواست غرامت از مجرم است.<sup>۳۰</sup> اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ایجاد «اصول مربوط به جبران خسارت به قربانیان» را الزامی کرده و مجمع کشورهای عضو را ملزم به ایجاد صندوقی امانی به نفع قربانیان جرایم در صلاحیت دیوان می‌کند. گذشته از نهادهای دائمی مذکور، گاه کمیسیون‌ها یا سازکارهایی موقت برای جبران خسارت قربانیان درگیری‌های مسلحانه ایجاد شده‌اند؛ نمونه آن «کمیسیون رسیدگی به دعاوی قربانیان جنگ عراق»<sup>۳۱</sup> است که با مأموریت ویژه به این امر پرداخت<sup>۳۲</sup>.

همچنین، طبق ماده ۱۴ کنوانسیون مبارزه با شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز<sup>۳۳</sup>، هر دولت عضو، موظف است ترتیبی اتخاذ نماید که قربانی شکنجه، حق اخذ خسارت و جبران غرامت مناسب و کافی را داشته باشد. رویه اخیر کمیته منع شکنجه<sup>۳۴</sup> نشان می‌دهد که کشورهای عضو موظفند صرف‌نظر از محل وقوع شکنجه و تابعیت قربانی، مرجعی برای دریافت غرامت برای قربانیان فراهم کنند. برای مثال، کمیته مبارزه با شکنجه، با بررسی گزارش کانادا (۲۰۰۵)، روشن ساخت که تعهد دولت‌ها مطابق ماده ۱۴، همچنین به قربانیانی در کانادا که در خارج از کشور، توسط بیگانگان شکنجه شده‌اند، تعمیم یافته است.<sup>۳۵</sup> ماده ۱۴، کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا مرجعی را برای قربانیان خارجی فراهم کنند تا برای شکنجه‌های ارتكابی در خارج از کشور توسط بیگانگان، درخواست غرامت<sup>۳۶</sup> کنند.<sup>۳۷</sup>

در این زمینه بند ۴ ماده ۲۴ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از همه افراد در برابر ناپدید شدن‌های اجباری<sup>۳۸</sup> نیز قابل توجه است که طبق آن کشورها باید در نظام حقوقی خود حق دریافت غرامت سریع، عادلانه و کافی را تضمین نمایند. در بند ۵ نیز به انواع خسارت شامل اعاده وضعیت به حالت قبل، بازتوانی و اعاده حیثیت و عدم تکرار رفتار، اشاره شده است. در ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه نیز به الزام برای پرداخت غرامت توسط کشورهای متخاصمی که مقررات ضمیمه کنوانسیون را نقض می‌کنند، اشاره شده است. ولو آن که سازکار اجرایی آن بعدها توسط رویه قضایی<sup>۳۹</sup> یا معاهدات<sup>۴۰</sup> دیگر روشن‌تر شده باشد.

<sup>29</sup> "Van Boven-Bassiouni Principles", <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/basic-principles-and-guidelines-right-remedy-and-reparation>

<sup>30</sup> "the UN Updated set of principles for the protection and promotion of human rights through action to combat impunity (Joint-Orentlicher Principles)" UN Doc. E/CN.4/2005/102 (18 February 2005).

<sup>31</sup> Kazazi, Mojtaba. "United Nations Compensation Commission and Liability for Use of Force." In *Reparation for Victims of Armed Conflict: Impulses from the Max Planck Dialogues*, edited by Christian Marxsen and Anne Peters, 603–607. *Heidelberg Journal of International Law* 78, no. 3 (2018).

<sup>32</sup> Andreas Bucher, "La compétence universelle civile en matière de réparation pour crimes internationaux, *Annuaire de l'Institut de droit international*", Session de Tallinn, 76(2015), pp. 1–266.

<sup>33</sup> Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment

<sup>34</sup> Committee Against Torture

<sup>35</sup> Committee Against Torture, Conclusions and recommendations of the Committee against Torture: Consideration of reports submitted by States parties under article 19 of the Convention, Canada, Thirty-fourth session, 2–20 May 2005 (New York: United Nations, 7 July 2005), CAT/C/CR/34/CAN.

<sup>36</sup> Christopher Keith Hall, "The Duty of States Parties to the Convention against Torture to Provide Procedures Permitting Victims to Recover Reparations for Torture Committed Abroad," *European Journal of International Law*, 1(2007).

<sup>37</sup> Amnesty International, *Universal Jurisdiction: The Scope of Civil Universal Jurisdiction*, (July 2007), <https://www.amnesty.org/ar/wp-content/uploads/2021/07/ior530082007en.pdf>.

<sup>38</sup> International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance

<sup>39</sup> *Nicaragua v. United States of America*, Judgment of 27 June 1986, ICJ Reports 1986, 14, paras. 276–285.

<sup>40</sup> International Law Commission, *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, with Commentaries, Yearbook of the International Law Commission, 2001, vol. II, Part Two, Articles 1 and 31–39.

## ۱-۲- صلاحیت مدنی جهانی در قانونگذاری ملی:

این موضوع که صلاحیت مدنی و کیفری تحت قواعد یکسانی قرار دارد، مورد قبول واقع نشده است چرا که صلاحیت کیفری اهداف عمومی را دنبال می‌کند در حالی که صلاحیت مدنی در درجه اول به اجرای حقوق خصوصی می‌پردازد.<sup>۴۱</sup> کمیسیون اروپا نیز در خلاصه‌نامه درخواست خود به دیوان عالی ایالات متحده در پرونده *sosa v. alvarez-machain*<sup>۴۲</sup> نشان داد که بسیاری از کشورها از جمله اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، لوگزامبورگ، هلند، پرتغال، اسپانیا و سوئد، به دادگاه‌های خود اجازه داده‌اند تا دعاوی مدنی را در خلال پرونده‌های کیفری که مبتنی بر صلاحیت کیفری جهانی است، رسیدگی کنند.<sup>۴۳</sup>

علاوه بر کشورهای نامبرده، دادگاه‌های کشورهای هم‌چون آرژانتین، بولیوی، چین، کلمبیا، کاستاریکا، میانمار، پاناما، لهستان، رومانی، سنگال و ونزوئلا نیز می‌توانند صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های کیفری را بر دعاوی مدنی مبتنی بر تخلفات ارتكابی در خارج از کشور اعمال نمایند.<sup>۴۴</sup> با مطرح شدن پرونده *Sosa*، شماری از دولت‌ها، از جمله بریتانیا، سوئیس، استرالیا، لوایحی را در مخالفت با اعمال صلاحیت مدنی جهانی صادر کرده و تنها آن را در صورت اعلام رضایت دولت‌ها در معاهده‌ها و یا پذیرش آن توسط عرف بین‌الملل، قابل اعمال می‌دانند که اعمال صلاحیت مدنی جهانی را در دادگاه‌های داخلی و طبق حقوق بین‌الملل، غیرقانونی نمی‌کند. چرا که مطابق با اصل بنیادین ایجاد شده در پرونده *لوتوس*<sup>۴۵</sup> در مورد اصل صلاحیت جهانی<sup>۴۶</sup>، دولت‌ها می‌توانند هرگونه صلاحیتی را اعمال نمایند، مشروط بر اینکه یک قاعده صریح حقوق بین‌الملل، آن را منع نکرده باشد. رویکرد نظام حقوقی آمریکا و کشورهای اروپایی در زمینه صلاحیت مدنی جهانی در این زمینه قابل توجه می‌باشد که در ادامه به آن پرداخته شده است.

## ۱-۲-۱- قوانین و رویه قضایی ایالات متحده آمریکا:

دادگاه‌های فدرال ایالات متحده بارها صلاحیت مدنی جهانی را تحت ۴ قانون فدرال، از جمله قانون حمایت از قربانی شکنجه (زین پس TVPA)<sup>۴۷</sup>، قانون دعاوی مدنی اتباع خارجی (زین پس ATS)<sup>۴۸</sup>، قانون ضد تروریسم<sup>۴۹</sup>، قانون مصونیت‌های دولت بیگانه<sup>۵۰</sup> و استثنای دولت‌های حامی تروریسم<sup>۵۱</sup> اعمال کرده‌اند. همچنین پرونده موری علیه اسکونر چارمینگ بتسی (۱۸۰۴)<sup>۵۲</sup> نیز با وجود آنکه بطور مستقیم به صلاحیت جهانی نمی‌پردازد اما مبانی قابل توجهی در توجیه صلاحیت محاکم آمریکا در رسیدگی به جرایم بین‌المللی تحت قانون ATS ایجاد کرد که در توسعه صلاحیت جهانی در آمریکا مؤثر بود. اصل چارمینگ بتسی<sup>۵۳</sup> که طبق آن قوانین داخلی آمریکا باید تا حد امکان به گونه‌ای تفسیر شوند که با حقوق بین‌الملل تعارض نداشته باشند، بعدها مبنای تفسیر قوانین داخلی آمریکا (بویژه قانون 1789/ATS) در پرونده‌های

<sup>۴۱</sup> نیلوفر نظریانی، *تعمیم اصل صلاحیت جهانی بر دعاوی مدنی در موارد نقض‌های فاحش حقوق بشر*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه، ۱۳۹۱)، ۹.

<sup>۴۲</sup> U.S. Reports: *Sosa v. Alvarez-Machain et al.*, 542 U.S. 692(2004)

<sup>۴۳</sup> Amnesty International, *ibid*, 5

<sup>۴۴</sup> Amnesty International, *ibid*, 4

<sup>۴۵</sup> The Case of the S.S. "Lotus" (France v. Turkey), PCIJ, Ser. A, No. 10 (7 September 1927)

<sup>۴۶</sup> هوشنگ مقتدر، «صلاحیت دولت‌ها و انواع آن»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲۶(۱۳۷۰)

<sup>۴۷</sup> The Torture victim Protection Act ( TVPA ) , 28 U.S.C. Sections 1350

<sup>۴۸</sup> The Alien Tort Statute ( ATS ), 25 U.S.C. Section 1350

<sup>۴۹</sup> The Anti-Terrorism Act ( ATA ), 18 U.S.C. Section 2331-2338

<sup>۵۰</sup> The Foreign Sovereign Immunities Act ( FSIA ), 28 U.S.C.A §162

<sup>۵۱</sup> The State Sponsors of Terrorism Exception to The Foreign Sovereign Immunities Act, 28 U.S.C. Section 1605(a)(7)

<sup>۵۲</sup> *Murray v. The Schooner Charming Betsy*, 6 U.S. (2 Cranch) 64 (1804).

<sup>۵۳</sup> *Charming Betsy Canon*

صلاحیت جهانی قرار گرفت و دادگاه‌ها با استناد به آن، صلاحیت خود برای رسیدگی به نقض حقوق بشر در خارج از آمریکا را گسترش دادند.<sup>۵۴</sup> همچنین، در پرونده فیلاترتیگا (۱۹۸۰)<sup>۵۵</sup> شکنجه و قتل یک فرد در پاراگوئه توسط مقام دولتی، منجر به اقامه دعوی در آمریکا شد. احراز صلاحیت دادگاه تجدیدنظر با استناد به قانون ATS، به نوعی اعطای اختیار به محاکم ایالات متحده در رسیدگی به ادعاهای بین‌المللی شکنجه در خارج از آمریکا بود.<sup>۵۶</sup>

در سال ۱۹۹۱ قانون TVPA، با امکان طرح دعوی مدنی برای جبران خسارت فرد در معرض شکنجه یا قتل فراقضایی در خارج از آمریکا، تصویب شد.<sup>۵۷</sup> مطابق قانون مذکور، در خصوص شکنجه و قتل فراقضایی، تحت شرایطی و صرف‌نظر از محل ارتکاب جرم و تابعیت و مصونیت مرتکبان آن‌ها، امکان طرح دعوای مدنی جهت دریافت غرامت، در محاکم آمریکا، نسبت به دستوردهندگان، مباشران و یا معاونان، وجود دارد. قتل فراقضایی زمانی امکان طرح دعوای مدنی را با استناد به صلاحیت مدنی جهانی محاکم آمریکا فراهم می‌کند که متهم، یک شخص حقیقی بوده<sup>۵۸</sup> و تحت اختیار واقعی یا ظاهری، یا تحت قانون یک کشور خارجی عمل کرده باشد.

دیوان عالی آمریکا در رأی خود در پرونده Sosa، قانون حمایت از قربانیان شکنجه را «مکمل» قانون ATS توصیف کرد، اما آن را جایگزین قانون اخیر نکرد.<sup>۵۹</sup> قانون TVPA، فراسرزمینی بودن رفتار را دفاع قابل قبولی نمی‌داند. در دعوای کیوبل علیه شرکت نفت سلطنتی داچ (۲۰۱۳)<sup>۶۰</sup>، رأی اکثریت دیوان عالی کشور مبنی بر آن بود که اصل تفسیر قانونی، معروف به «فرض عدم اعمال فراسرزمینی»، شامل قانون ATS می‌گردد، چرا که متن آن حاوی هیچ «نشانه روشنی از فراسرزمینی بودن» نیست. از این رو این رأی در مقام تحدید چارچوب صلاحیت مدنی جهانی در محاکم آمریکا شناخته می‌شود.

تا سال ۲۰۱۰، تعداد زیادی پرونده از جمله Doe v. Unocal<sup>۶۱</sup> و Wiwa v. Shell<sup>۶۲</sup> با استناد به قانون ATS در محاکم ایالات متحده مطرح شدند. اما با وجود اینکه یکی از تفاوت‌های کلیدی بین صلاحیت کیفری و مدنی جهانی، امکان تعقیب شرکت‌ها در دعوای مدنی بود، با این حال، همان‌طور که پارلمان بلژیک در سال ۲۰۰۳ صلاحیت جهانی خود را محدود کرد، دیوان عالی آمریکا نیز در پرونده کیوبل و سپس در (2014) Daimler AG v. Bauman<sup>۶۳</sup>، دامنه صلاحیت فراسرزمینی و مسئولیت اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) را محدود نمود، به طوری که بسیاری از جنبه‌های جهان‌شمولی این صلاحیت تحت تأثیر قرار گرفت.<sup>۶۴</sup> با این حال، در پرونده فولد علیه سازمان آزادی‌بخش فلسطین و تشکیلات خودگردان<sup>۶۵</sup> (۲۰۲۲)، دیوان عالی آمریکا به اتفاق آرا حکم داد که دادگاه‌های فدرال بر اساس قانون ارتقای امنیت و عدالت برای قربانیان تروریسم (۲۰۱۹)، صلاحیت رسیدگی به شکایت مذکور را دارند لذا شرط «حداقل تماس» را برای اعمال صلاحیت قضایی ضروری ندانسته و پرداخت مالی به تروریست‌ها یا حضور مستمر در آمریکا را برای صلاحیت کافی دانست.<sup>۶۶</sup> این تصمیم مسیر حقوقی جدیدی برای رسیدگی به موارد مشابه در دادگاه‌های آمریکا باز کرد. همچنین در دعوای شرکت «دیواس»

<sup>54</sup> See: Bradley, C. A. "The Charming Betsy Canon and Separation of Powers." In *International Law in the U.S. Legal System* Oxford University Press. 2019. 45-62.

<sup>55</sup> *Filartiga v. Pena-Irala*, 630 F.2d 876 (2d Cir. 1980).

<sup>56</sup> Natalie R. Davidson, "Shifting the Lens on Alien Tort Statute Litigation: Narrating US Hegemony in *Filartiga* and *Marcos*," *The European Journal of International Law* Vol. 28, 1(2017). 154-158.

<sup>57</sup> U.S. Congress, Torture Victim Protection Act of 1991, H.R. 2092, 102nd Cong. (1991-1992), Public Law 102-256, March 12, 1992, <https://www.congress.gov/bill/102nd-congress/house-bill/2092/all-info>.

<sup>58</sup> *Mohamad v. Palestinian Authority*, 566 U.S. 449 (2012), <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/566/449/>.

<sup>59</sup> American Society of International Law, op. cit. 26

<sup>60</sup> *Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Co.*, 569 U.S. 108 (2013), <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/569/108>.

<sup>61</sup> *Doe v. Unocal Corp.*, 963 F. Supp. 880 (C.D. Cal. 1997).

<sup>62</sup> *Wiwa v. Royal Dutch Shell Co.*, 226 F.3d 88 (2d Cir. 2000), cert. denied, 532 U.S. 941 (2001).

<sup>63</sup> *Daimler AG v. Bauman*, 571 U.S. 117 (2014).

<sup>64</sup> Steven D. Roper, Applying Universal Jurisdiction to Civil Cases: Variations in State Approaches to Monetizing Human Rights Violations, *Global Governance* 24 (2018), 104.

<sup>65</sup> *Fuld et al. v. Palestine Liberation Organization et al.*, No. 20-24, Supreme Court of the United States, argued April 1, 2025, decided June 20, 2025.

<sup>66</sup> See: Alexander Perkowski and Lulu Mansour, "Personal Jurisdiction in *FULD V. PLO* and *U.S.v. PLO*" *Lawfare*, May 29, 2025 (analyzez the Court's departure from traditional minimum contacts analysis).

علیه شرکت دولتی هندی «آنتریکس» (CC/Devas (Mauritius) Ltd. V. Antrix Corp. Ltd) به دلیل لغو یک قرارداد ارائه خدمات ماهواره‌ای، رای داوری مبنی بر پرداخت غرامت<sup>۶۷</sup>، صادر و اجرای آن در دادگاه‌های ایالات متحده با استناد به قبول شرط داوری بین‌المللی و سلب مصونیت توسط آنتریکس، تأیید شد. این پرونده هر چند مستقیماً در خصوص صلاحیت مدنی جهانی نیست اما نمونه‌ای از ایجاد محدودیت در مسیر مصونیت دولت‌ها و مطالبه پاسخگویی یک دولت خارجی با بهره‌گیری از اجرای رأی داوری در دادگاه‌های کشور ثالث است<sup>۶۸</sup>. این رویکرد در مسیر فلسفه صلاحیت جهانی و هدف آن، از جمله تضمین اجرای عدالت حتی در برابر دولت‌ها است.

### ۱-۲-۲- رویکرد سایر مراجع ملی در خصوص اعمال صلاحیت مدنی جهانی:

در گزارش برآمده از بررسی چشم‌انداز طرح دعاوی در دادگاه‌های انگلیس برای جبران خسارت مدنی ناشی از نقض حقوق بشر در خارج از کشور توسط شعبه بریتانیایی انجمن حقوق بین‌الملل<sup>۶۹</sup> اشاره شد که اگرچه دولت مسئول، وظیفه اصلی ارائه راه‌حل را بر عهده دارد و سازکارهای مبتنی بر طرح دعاوی بین‌المللی، ابزار ثانویه جبران خسارت هستند، اما منافع عدالت ممکن است ایجاب کند که سایر سیستم‌های حقوقی ملی، در صورت عدم دسترسی به این راه‌ها، به دعاوی رسیدگی کنند. در سال ۱۹۹۲، سلیمان العدسانی، تبعه بریتانیایی - کویتی، به دلیل شکنجه توسط دولت کویت و ۳ نفر دیگر در خاک کویت، بر این مبنا که اعطای مصونیت حاکمیتی توسط بریتانیا به دعاوی ناشی از شکنجه در نقض حقوق بین‌الملل اعمال نمی‌شود و همچنین به دلیل آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از تهدیدهای بعدی در بریتانیا، اجازه طرح دعوی در دادگاه‌های انگلیس را دریافت کرد. اگرچه این پرونده را با توجه به تابعیت العدسانی و ارتباط هرچند اندک با قلمرو بریتانیا، نمی‌توان به عنوان یک اقدام در صلاحیت جهانی توصیف کرد، اما با این حال، این پرونده به طور گسترده به عنوان پلی بالقوه برای چنین اقدامی دیده می‌شد<sup>۷۰</sup>. اعتراض به تصمیم مصونیت، بر اساس ممنوعیت شکنجه و تضمین حق دسترسی به محاکم، مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، توسط دیوان اروپایی حقوق بشر رد شد. با این حال، دیوان در مورد مسئله دسترسی به دادگاه‌ها، اختلاف نظر داشت و اقلیت استدلال می‌کرد که قواعد آمره، قوانین مصونیت ملی را در هر دو زمینه مدنی و کیفری<sup>۷۱</sup>، نقض می‌کند<sup>۷۲</sup>.

پس از پرونده العدسانی، چهار بریتانیایی در دادگاه‌های انگلستان، علیه وزارت کشور عربستان سعودی به دلیل شکنجه سیستماتیک اقامه دعوی کردند. به دلیل تابعیت شاکیان، این پرونده را نمی‌توان نمونه‌ای از صلاحیت مدنی جهانی برشمرد، اما بحث‌هایی را در مورد موضوع مورد بحث برانگیخته است. دادگاه تجدیدنظر انگلستان اظهار داشت که قسمت اول ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه به گونه‌ای طراحی نشده است که هر دولت دیگری را (دولت ب) ملزم به ارائه غرامت در سیستم حقوق مدنی خود برای اعمال شکنجه ارتكابی در دولت الف کند، اما طبق قسمت دوم ماده ۱۴، دولت ب همچنان مجاز است که [چنین] غرامتی را ارائه دهد. در نهایت، دادگاه دریافت که طرح دعوی علیه وزارتخانه سعودی به دلیل مصونیت حاکمیتی ممنوع است، اما طرح دعوی علیه مقامات دولتی<sup>۷۳</sup> می‌تواند ادامه یابد<sup>۷۴</sup>.

<sup>67</sup> CC/Devas (Mauritius) Ltd. V. Antrix Corp. Ltd., Supreme Court of the United States, 5 June 2025, <https://jsumundi.com/en/document/decision/en-devas-multimedia-private-limited-v-antrix-corporation-limited-order-of-the-united-states-supreme-court-thursday-5th-june-2025>.

<sup>68</sup> Convene Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York Convention), adopted 10 June 1958, entered into force 7 June 1958, 330 U.N.T.S. 3.

<sup>69</sup> Human Rights Committee, International Law Association (British Branch), Report on Civil Actions in the English Courts for Serious Human Rights Violations Abroad, 2001 Eur. Hum. Rts. L. Rev. 129, 131 [hereinafter British ILA Report].

<sup>70</sup> AI-Adsani v. Kuwait, 107 ILR 536 (C.A. 1996).

<sup>71</sup> AI-Adsani v. United Kingdom, App. No. 35763/97, (2001-XI Eur. Ct. H.R., 40,66-67 (Nov. 21,2001).

<sup>72</sup> Donald Francis Donovan and Anthea Roberts, "The Emerging Recognition of Universal Civil Jurisdiction," *The American Journal of International Law* 100 (2006): 149-150.

<sup>73</sup> Jones v. Saudi Arabia, [2004] EWCA (Civ) 1394, available at <http://www.bailii.org>.

<sup>74</sup> Donald Francis Donovan and Anthea Roberts, op. cit. 150.

اما تاثیرگذارترین رأی در رویکرد اروپا به این موضوع در پرونده نائیت لیمان علیه سوئیس<sup>۷۵</sup> قابل ملاحظه است. در این پرونده دادگاه‌های سوئیس با استناد به مصونیت قضایی مقامات دولتی و عدم صلاحیت سرزمینی، ادعای شکنجه یک پناهنده تونسی توسط مقامات دولت سوئیس و درخواست غرامت (۱۹۹۲) را رد کردند. این رأی توسط دیوان عالی سوئیس و سپس دیوان اروپایی حقوق بشر تأیید شد و اعلام شد که ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه<sup>۷۶</sup>، اگرچه حق جبران خسارت را برای قربانیان به رسمیت می‌شناسد، اما صلاحیت دادگاه‌های سایر کشورها برای رسیدگی مدنی به چنین پرونده‌هایی را الزامی نمی‌کند. این پرونده مبین محدودیت‌های حاکم بر صلاحیت دادگاه‌های ملی در اروپا است.

این درحالی است که در دعوی لوئیجی فرینی علیه آلمان در محاکم ایتالیا<sup>۷۷</sup> به دلیل نقض حقوق بین‌الملل عرفی در مورد اخراج و کار اجباری ارتكابی در طول جنگ جهانی دوم، دیوان عالی کشور استدلال کرد که ماهیت آمرانه هنجارهای منع جرایم بین‌المللی، به همه کشورها این قدرت را می‌دهد که صرف نظر از محل وقوع آنها، تحت دکترین صلاحیت جهانی به مقابله با آنها بپردازند. لذا هیچ دلیلی برای تردید در مورد قابلیت اعمال صلاحیت جهانی مبتنی بر چنین جرایمی وجود ندارد و به دلیل ماهیت آمرانه هنجارهای مربوطه، نمی‌توان به مصونیت دولت آلمان<sup>۷۸</sup> استناد کرد<sup>۷۹</sup>.

بطور کلی، صلاحیت مدنی جهانی در اروپا با چالش‌های حقوقی جدی مواجه است که در مکانیسم جبران خسارات اوکراین نیز نمود یافته است. در واقع، پس از تهاجم روسیه به اوکراین (۲۰۲۲)، شورای اروپا با تصویب قطعنامه‌ای<sup>۸۰</sup>، دفتر ثبت خسارات اوکراین<sup>۸۱</sup> را با شخصیت حقوقی مستقل در لاهه تأسیس کرد که وظیفه ثبت ادعاهای خسارات ناشی از جنگ از فوریه ۲۰۲۲ را با تمرکز بر آسیب‌پذیرترین گروه‌ها بر عهده دارد، اما فاقد صلاحیت قضایی است<sup>۸۲</sup>. چالش‌های اصلی آن شامل، عدم مشارکت روسیه<sup>۸۳</sup>، تعیین مکانیسم تأمین مالی و هماهنگی با احکام دیوان اروپایی حقوق بشر است. به رغم چالش‌های مذکور، دفتر ثبت خسارات اوکراین نشان‌دهنده تمایل اروپا به توسعه صلاحیت مدنی جهانی نیز است، اما موانع ساختاری همچون اصل مصونیت دولت، نبود چارچوب حقوقی الزام‌آور بین‌المللی و محدودیت‌های صلاحیت دادگاه‌های ملی، اجرای مؤثر آن را منوط به ایجاد سازکارهای بین‌المللی جدید می‌کند<sup>۸۴</sup>.

برخلاف ایالات متحده، صلاحیت مدنی جهانی در اروپا چندان محبوب نیست. در زمان رسیدگی دیوان عالی آمریکا به پرونده کیوبل، چندین دولت اروپایی، از جمله آلمان، لویجی به عنوان دوست دادگاه<sup>۸۵</sup> ارائه دادند که با اعمال صلاحیت مدنی جهانی تحت قانون ATS مخالفت می‌کردند. پرونده «نائیت-لیمان علیه سوئیس» به خوبی دلیل تردید کشورهای اروپایی را در پذیرش راهکارهای مدنی مشابه قانون ATS، نشان می‌دهد. در پرونده مزبور، دادگاه بدوی ژنو و نیز دیوان عالی فدرال سوئیس اعلام کردند که بین اقدامات مورد ادعا و سوئیس، هیچ ارتباط کافی وجود ندارد. دیوان حقوق بشر

<sup>75</sup> Nait-Liman v. Switzerland, App.No.51357/07, Grand Chamber, European Court of Human Rights, 15 March 2018, [https://hudo.echr.coe.int/eng#{%22itemid%22:\[%22002-11861%22\]}](https://hudo.echr.coe.int/eng#{%22itemid%22:[%22002-11861%22]}).

<sup>76</sup> Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or PUNISHMENT, ADOPTED BY un General Assembly RESOLUTION 39/46 OF 10 December 198.

<sup>77</sup> Andrea Gattini, "War Crimes and State Immunity in the Ferrini Decision," *Journal of International Criminal Justice* 3, 1(2005), <http://doi.org/10.1093/jicj/3.1.224>.

<sup>78</sup> Andrea Bianchi, "Ferrini v. Federal Republic of Germani," *American Journal of International Law* 99, 1(2005). <http://doi.org/10.2307/3246103>.

<sup>79</sup> Donald Francis Donovan and Anthea Roberts, op. cit.151.

<sup>80</sup> *Legal and Human Rights Aspects of the Russian Federations Aggression against Ukraine*, Report, Rapporteur: Damien Cottier, PACE Doc. 15689, 24 January 2023, para. 63.

<sup>81</sup> Register of Damage for Ukraine.

<sup>82</sup> Tom Dannenbaum, "A Special for the Crime of Aggression?" *Journal of Intrnational Criminal Justice* 20, 4(2022): 859-873, <https://doi.org/10.1093/jicj/mqac047>.

<sup>83</sup> Ronald Bettauer, *Collecting Claims and Evidence of Damage by Russia s Invasion of Ukraine*, ASIL Insights 27, 7(2023), 2, <https://www.asil.org/insights/volume/27/issue/7>.

<sup>84</sup> Marten Breuer, "The Register of Damage for Ukraine: A Promising First Step towards Reparation?," *Revue des droits de l'homme (RDLF)*, 2024, Chron. n°29.

<sup>85</sup> Amicus briefs

اروپا نیز ضمن عدم شناسایی عرف بین‌الملل در خصوص صلاحیت جهانی، با اشاره به کنوانسیون منع شکنجه، این تصمیم را تایید و اعلام کرد که هیچ قاعده بین‌المللی‌ای وجود ندارد که دولت‌ها را موظف به اعمال صلاحیت مدنی جهانی و جبران خسارات قربانیان در رابطه با جرایم بین‌المللی کند. بلکه اعمال صلاحیت جهانی مدنی توسط کشورها اختیاری است. در یک مطالعه در میان ۳۹ کشور اروپایی، تنها هلند با محدودیت‌هایی، صلاحیت جهانی مدنی برای اعمال شکنجه را به رسمیت شناخته است. از این‌رو برخی معتقدند، با فقدان قانون یا عرف الزام‌آور، این اصل هنوز به‌طور جهانی به رسمیت شناخته نشده است.<sup>۸۶</sup>

### ۱-۳- صلاحیت مدنی جهانی در رویه نهادهای حقوق بشری:

در سال ۲۰۱۶ سازکاری مستقل و بی‌طرفانه، با استناد به قطعنامه سازمان ملل<sup>۸۷</sup> به منظور کمک در راستای تحقیق و تعقیب جنایات جدی ارتكابی از مارس ۲۰۱۱ در سوریه، بر اساس قوانین بین‌المللی و از طریق مستندسازی تخلفات و تجزیه و تحلیل شواهد، ایجاد شد که به کشورها به‌منظور پیگرد قانونی، بر اساس اصل صلاحیت جهانی کمک می‌کند.<sup>۸۸</sup> با افزایش نقض حقوق بشر در سوریه، کمیسیون مستقل تحقیقات بین‌المللی سازمان ملل<sup>۸۹</sup> در مورد سوریه، که بر اساس قطعنامه شورای حقوق بشر<sup>۹۰</sup>، تأسیس شده بود، گزارش‌های متعددی از نگرانی در ارتباط با جنایات علیه بشریت ارائه و توصیه کرده که شورای امنیت به منظور ارجاع به نهادهای قضایی بین‌المللی اقدام نماید. استفاده از این سازکار<sup>۹۱</sup> در رویه قضایی دادگاه‌های پاریس<sup>۹۲</sup> در ارتباط با صدور حکم اعدام برای ۳ مقام عالی رتبه سوری به اتهام مشارکت در دستگیری و شکنجه و قتل پدر و پسری فرانسوی - سوری، قابل بررسی است.

در حال حاضر دو سازکار عملیاتی در ارتباط با اعمال صلاحیت مدنی جهانی در نهادهای حقوق بشری وجود دارد. اولین مورد مکانیسم ثبت خسارات سازمان ملل متحد بر اساس قطعنامه مورخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۴ مجمع عمومی<sup>۹۳</sup> است. که پس از صدور رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد پیامدهای حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی<sup>۹۴</sup> ایجاد شد. دیوان دریافت که ساخت دیوار، موجب نقض قواعد بین‌المللی و مسئولیت اسرائیل در ارائه غرامت، استرداد اموال مصادره شده و جبران خسارات وارده است. لذا دفتر ثبت خسارات سازمان ملل<sup>۹۵</sup>، ماموریت دارد تا سابقه‌ای از خسارات وارده به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط به ساخت دیوار حائل را به صورت مستند تهیه کند.<sup>۹۶</sup> دومین مکانیسم ثبت خسارات، ناشی از اقدامات بین‌المللی روسیه علیه اوکراین است که به تفصیل در قسمت رویکرد سایر مراجع ملی در

<sup>86</sup> Margaret Myaskovskaya, "Universal Criminal Jurisdiction: Why It Matters", *Fordham International Law Journal*, 1(2024), 370-371.

<sup>87</sup> Resolution of the United Nations General Assembly-A/71/298.

<sup>88</sup> United Nations General Assembly, Resolution 71/248: International, Impartial and Independent Mechanism to Assist in the Investigation and Prosecution of Persons Responsible for the Most Serious Crimes under International Law Committed in the Syrian Arab Republic since March 2011, UN Doc. A/71/248 (Dec. 21, 2016), note by the Secretary-General, A/75/311, <https://www.undocs.org/en/A/75/311>.

<sup>89</sup> United Nations International Independent Investigation Commission

<sup>90</sup> United Nations Human Rights Council, Resolution Adopted by the Human Rights Council at Its 17th Special Session, A/HRC/RES/S-17/1 (Aug. 23, 2011), <http://undocs.org/A/HRC/RES/S-17/1>.

<sup>91</sup> Linda Osman, "Reflections on the Dabbagh Case: Challenges and Implications for Justice", *Global Responsibility to Protect* 17(2025): 211, doi: <https://doi.org/10.1163/1875984X-20250006>

<sup>92</sup> Arab Council, The Arab Council Is Monitoring the Trial Sessions of Three Senior Security Officials of the Syrian Regime, Criminal Court in Paris, 21-24 May 2024, <https://arabcouncil.foundation/wp-content/uploads/2024/06/The-Arab-Council-is-monitoring-the-trial-sessions-of-three-senior-security-officials-of-the-Syrian-regime-Criminal-Court-in-Paris.pdf>.

<sup>93</sup> Resolution of the United Nations General Assembly- A/RES/ES-10/17.

<sup>94</sup> International Court of Justice. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, July 9, 2004. Accessed July 5, 2005.

<sup>95</sup> United Nations Register of Damage

<sup>96</sup> United Nations General Assembly, Resolution Adopted by the General Assembly: Establishment Caused by the Construction of the Wall in the Occupied Palestinian Territory, A/RES/ES-10/17, 24 January 2007.

خصوص اعمال صلاحیت مدنی جهانی مورد بررسی قرار گرفت که نمود ملموسی از تعهد جامعه بین‌المللی به حفظ حاکمیت قانون و جبران خسارات برای قربانیان تجاوز می‌باشد.<sup>۹۷</sup>

## ۲- کارکرد صلاحیت مدنی جهانی در ارتقاء عدالت کیفری بین‌المللی:

انسان‌ها همواره در معرض نقض قواعد حقوق بشری و وقوع جنایات بین‌المللی توسط حکومت‌ها قرار داشته‌اند. باید اذعان داشت که اقامه دعوا در دادگاه‌های ملی کشور محل نقض، اغلب با شکست مواجه می‌شود زیرا ناقضان اصلی حقوق قربانیان، همین دولت‌ها یا مقامات رسمی هستند.<sup>۹۸</sup> همچنین سازکارهای مقرر در حقوق بین‌الملل از جمله دادگاه‌ها و نهادهای شبه قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های موقت مطابق با مجوز شورای امنیت، همواره با کاستی‌هایی همچون محدودیت مربوط به صلاحیت تکمیلی و تمرکز بر حوزه کیفری و مجازات به جای جبران خسارات، مواجه هستند. با توجه به مصونیت دولت‌ها در محاکم خارجی، به نظر می‌رسد که صلاحیت مدنی جهانی که علیه اشخاص حقیقی و شرکت‌ها قابل اعمال است، می‌تواند در مطالبه خسارت و ارتقاء عدالت کیفری مؤثر باشد و تا حدودی محدودیت مربوط به اقامه دعوا علیه دولت‌ها را برطرف نماید.<sup>۹۹</sup> لذا به منظور تعیین کارکرد آن در ارتقاء عدالت بین‌المللی، چاره‌ای جز بررسی قانونی بودن و مطلوب بودن قاعده مذکور توسط دولت‌ها و به‌خصوص ایالات متحده، به‌عنوان تنها کشور اعمال‌کننده آن برای شبه جرم‌های ارتکاب یافته در خارج از کشور نیست. در حالی که بسیاری از کشورها، اعمال آن را مغایر با حقوق بین‌الملل دانسته و استناد به آن را مشروط به رضایت دولت‌ها در معاهدات و یا پذیرش از طریق عرف، کرده‌اند.<sup>۱۰۰</sup> بسیاری از کشورها نیز خواستار اصلاح قانون ATS و توجه ایالات متحده به ماهیت تکمیلی اصل صلاحیت جهانی شده‌اند.<sup>۱۰۱</sup> درحالی‌که در قضیه لوتوس، دیوان بین‌المللی دادگستری، اصل را بر آزادی عمل دولت‌ها قرار داده و فرض محدودیت اولیه بر استقلال دولت‌ها را ممکن ندانسته است. در رابطه با قانونی بودن ادعاهای صلاحیتی با استناد به قضیه لوتوس، در صورت وجود شواهد ناکافی از شکل‌گیری یک قاعده منع‌کننده، صلاحیت مدنی جهانی حداقل مطابق با حقوق بین‌الملل عرفی، قانونی تلقی می‌گردد. لذا با توجه به قربانی محور بودن صلاحیت مدنی جهانی و انجام اغلب نقض‌ها توسط عاملین دولتی، استفاده از آن می‌تواند پوششی برای خلاءهای اعمال اصل صلاحیت کیفری جهانی و جلوگیری از بی‌خسارت‌مانی قربانیان و ارتقاء و تضمین عدالت کیفری جهانی باشد.

## ۳- چالش‌های صلاحیت مدنی جهانی در ارتقاء عدالت کیفری بین‌المللی:

اگرچه ضرورت تامین منافع مشترک، حفظ ارزش‌های بشری و دسترسی بزهدیدگان به اجرای عدالت، مشروعیت اعمال صلاحیت جهانی را غیر قابل تردید کرده است<sup>۱۰۲</sup>، اما تردیدی نیست که اعمال آن مستلزم محدودیت در چارچوب حاکمیتی دولت‌ها است<sup>۱۰۳</sup>. با توجه به این‌که اعتبار صلاحیت محاکم خارجی و توسعه صلاحیت آن‌ها، با حساسیت‌ها و ملاحظات

<sup>97</sup> Ibid. 104

<sup>98</sup> نظریاتی، پیشین، ۱

<sup>99</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری در رای مورخ ۳ فوریه ۲۰۱۲ در قضیه آلمان علیه ایتالیا، مصونیت قضایی دولت‌ها در دادگاه داخلی دیگر کشورها را حتی در صورت نقض قاعده آمره، مورد شناسایی قرار داده است؛ International Court of Justice, Jurisdictional Immunities of the State Germany v. (Italy: Greece intervening), Judgment of 3 February 2012, I.C.J. Reports (2012)

<sup>100</sup> Brief of The Government of The Commonwealth of Australia, The Swiss Confederation and The United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland as amici curiae in Support of The Petitioner, US Supreme Court, Sosa v. Alvarez-Machain, 23 January 2004, 60.

<sup>101</sup> Jessica Lawrence, "Kiobel and the Commission", Oct 15, 2012, <http://europeanlawblog.pubpub.org/pub/kiobel-and-the-commission>.

<sup>102</sup> حجت اله رضایی و محمد علی مهدوی ثابت، "منشأ و مشروعیت اعمال اصل صلاحیت جهانی در دادگاه‌های ملی برای تعقیب جنایات بین‌المللی"، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۱۷(۱۴۰۰): ۳۱.

<sup>103</sup> نک: زهرا، خداداد، صلاحیت جهانی و حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۱).

حقوقی، نقض استقلال دولت‌ها و مقاومت آن‌ها در پذیرش و توسعه صلاحیت مواجهه است، ویژگی فرامرزی بودن آراء دادگاه‌ها، جز با همکاری دولت‌ها، انعطاف در برابر آراء خارجی و پذیرش تعهد در چارچوب‌های معین امکان‌پذیر نمی‌باشد<sup>۱۰۴</sup>. این امر در بستر متصف به وصف موارد ناقض حقوق بشر از حساسیت بیشتری برخوردار است. زیرا ممکن است زمینه‌های تنش سیاسی میان دولت‌ها را از طریق پذیرش طرح دعوی علیه مقامات دولتی با اتهام نقض حقوق بشر در محاکم خارجی و نقض امور حاکمیتی، فراهم آورد. بویژه آنکه، اتهام نقض حقوق بشر در مواردی چون شکنجه و قتل فراقضایی به دلایلی چون ملاحظات سیاسی از تعریف واحدی میان دولت‌ها برخوردار نیست. از این‌رو همانند عدم اجماع در خصوص مفهوم و مصداق تروریسم و در نتیجه اختلاف‌نظر میان این مفهوم و فعالیت گروه‌های آزادی‌بخش که منجر به عدم تصویب کنوانسیون تامین منابع مالی تروریسم در ایران شد<sup>۱۰۵</sup>، مقاومت دولت‌ها و نگاه محتاطانه آن‌ها را در پذیرش و توسعه چارچوب‌های حقوقی آن در قوانین داخلی به همراه خواهد داشت.

با توجه به ملاحظات و تنش‌های دیپلماتیک و سیاسی احتمالی، به دلیل ارتباط صلاحیت جهانی و نقض حاکمیت ملی، جلب همکاری دولت‌های خارجی در اجرایی نمودن احکام صادره، از جمله چالش‌های دیگر است. برای بررسی چالش‌های صلاحیت مدنی جهانی، باید شرایط اجرای آن توسط دادگاه‌های ایالات متحده به‌عنوان تنها کشور اعمال‌کننده، مورد ارزیابی قرار گیرد. از جمله این چالش‌ها، اعمال و احراز معیارهای قابل طرح طبق قانون ATS و تعیین صلاحیت موضوعی دادگاه‌های منطقه‌ای و رویه قضایی آن‌ها است. که شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱- نقض هنجارهایی از حقوق بین‌المللی که مورد پذیرش جهان متمدن امروز قرار گرفته است.
- ۲- نقض‌های مذکور با چنان وضوحی تعریف شوند که با ویژگی‌های نمونه آن<sup>۱۰۶</sup> در زمان تصویب قانون مذکور در قرن ۱۸، قابل مقایسه باشد.

بار اثبات ادعای نقض قواعد و معیارهای مذکور و قرارگیری آن در چارچوب این قانون، برعهده شاکی بوده که مسلماً امری دشوار است. به‌طور کلی قوانین داخلی متفاوت در خصوص ادله اثبات دعوی، بر پیچیدگی اعمال صلاحیت مذکور، دامن می‌زند<sup>۱۰۷</sup>.

چالش بعدی، احراز این موضوع است که آیا خواننده، طبق قانون ATS، قابل محاکمه است؟ بیشتر ایالت‌ها، صلاحیت شخصی را بر طرف‌هایی که فعالیت‌های نظام‌مند و منظم در ایالت‌ها دارند، اعمال می‌کنند<sup>۱۰۸</sup>. لذا در مواردی که خواننده تحت صلاحیت عام هیچ ایالتی قرار ندارد، احراز ارتباط حداقلی، از چالش‌های اعمال صلاحیت مذکور است. البته در این حالت چنانچه دعوا تحت قوانین فدرال مطرح شود و اعمال صلاحیت با قانون اساسی و قوانین ایالات متحده، سازگار باشد، صلاحیت شخصی دادگاه نسبت به خواننده برقرار می‌شود<sup>۱۰۹</sup>. عدم اعمال صلاحیت بر اساس استناد به اصول نزاکت بین‌المللی، چالش دیگری است که زمانی موضوعیت دارد که بین حقوق خارجی و حقوق دولت‌کننده صلاحیت، تعارض واقعی ایجاد گردد و دادگاه رسیدگی‌کننده با استناد به حقوق خارجی از رسیدگی امتناع نمایند. البته استناد به آن در دعاوی حقوق بشری، به ندرت اتفاق می‌افتد<sup>۱۱۰</sup>. به‌طور کلی می‌توان قائل بود که صلاحیت مدنی جهانی گرچه در تضمین ارزش‌های حقوق بشری، مقابله با بی‌خسارت‌مانی و ارتقاء عدالت بین‌المللی مؤثر است اما در چارچوب و رویه قضایی فعلی

<sup>۱۰۴</sup> رضا مقصودی پاشاکی، "بررسی تطبیقی نزاکت و رفتار متقابل در شناسایی احکام خارجی در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی"، *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، ۱(۱۴۰۱): ۲۲۱.

<sup>۱۰۵</sup> نک: عاطفه شیخ‌اسلامی، *سیاست جنایی تقنینی ایران در تعامل و تقابل با اسناد بین‌المللی*، (تهران: مجد، ۱۴۰۳).

<sup>۱۰۶</sup> قانون ATS در زمان تصویب در قرن ۱۸ ام، قابل اعمال بر دعوی محدودی از جمله دزدی دریایی، نقض حقوق سفیران و نقض جواز امان بود.

<sup>۱۰۷</sup> Menno T. Kamminga, "Universal Civil Jurisdiction: Is It Legal? Is It Desirable?" *Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law)*, 99(2005): 123.

<sup>۱۰۸</sup> *Wiwa v. Royal Dutch Petroleum Co.*, 226 F.3d 88 (2d Cir.2000).

<sup>۱۰۹</sup> Federal Rules of Civil Procedure 4(k)(2), "Territorial Limits of Effective SERVICE."

<sup>۱۱۰</sup> *Doe v. Liu Qi*, op. cit/ 1306; *corrie v. caterpillar, Inc.*, 403 F. sup. 2d 1019, 1032-1033 (W.D. wash. 2005)

ملی و بین‌المللی با چالش‌هایی مواجه است که روند آن را کند و نیازمند توسعه و تحول قواعد حقوق بین‌الملل، ارتقاء ظرفیت قوانین داخلی و افزایش همکاری‌های قضایی دولت‌ها در به حداقل رساندن آلام قربانیان موارد نقض حقوق بشر می‌سازد.

## نتیجه‌گیری

نقض قواعد حقوق بین‌الملل، موارد نقض حقوق بشر و عدم موفقیت جامعه بین‌الملل در تأسیس نظام عدالت کیفری بین‌المللی کارآمد و موثر، ضرورت وجود سازکارهایی که بتواند راهکاری در مواجهه با بی‌کیفرمانی و مصونیت ناقضان حقوق بین‌الملل و بشر باشد را آشکار می‌سازد. صلاحیت جهانی مدنی و کیفری، به‌عنوان راه‌کاری که می‌تواند تا حدودی آلام قربانیان نقض‌ها را بهبود بخشد، همواره با چالش‌هایی از جمله تعارض با اصل عدم مداخله و نقض حاکمیت مواجه بوده است. چالش‌های مذکور تا جایی توسعه می‌یابند که اصل صلاحیت جهانی اعمال می‌گردد و قادر به ایجاد محدودیت در اعمال صلاحیت جهانی نیستند اما نیاز است تا گستره آنها تعیین گردد. لذا با توجه به این‌که اعمال اصل صلاحیت جهانی به نمایندگی از کل جامعه بین‌المللی و به نیابت از کشور محل وقوع جرم به دولت‌های دیگر داده شده است، محاکم ملی به مثابه ارکان بین‌المللی عمل کرده و در تضمین و ثبات ارزش‌های جامعه بین‌المللی اهتمام می‌کنند. این وظیفه که توسط حقوق بین‌الملل عرفی بر عهده دولت‌ها قرار داده شده، در پرتو فرایند تغییر مفهومی حاکمیت از مفهوم سنتی آن به درک حاکمیت به مثابه مسئولیت، می‌تواند روند جرم‌انگاری، تعقیب، مجازات و جبران خسارات قربانیان را تقویت نموده و از وظیفه عام دولت‌ها در پیگرد جرائم بین‌المللی، از طریق اعمال دکترین مسئولیت حمایت پشتیبانی نماید. صلاحیت مدنی جهانی، در ایالات متحده برخلاف بیشتر کشورهای اروپایی، از طریق قوانین داخلی به رسمیت شناخته و اجرا شده است؛ در این زمینه بویژه قانون حمایت از قربانیان شکنجه، در راستای تعهدات آمریکا تحت منشور سازمان ملل و کنوانسیون منع شکنجه، به قربانیان امکان می‌دهد تا بدون توجه به محل وقوع جرم یا تابعیت مرتکب، علیه عاملان شکنجه و قتل فراقضایی در دادگاه‌های آمریکا اقامه دعوی کنند. در مقابل، کشورهای اروپایی با استناد به نبود الزام حقوقی بین‌المللی و فقدان عرف الزام‌آور، این صلاحیت را عمدتاً نپذیرفته و آن را اختیار قضایی نرم و غیر الزام‌آور تلقی کرده‌اند. پرونده‌هایی همچون Naït-Liman نشان داده‌اند که دادگاه‌های اروپایی، بر ضرورت وجود ارتباط قوی با قلمرو خود تأکید دارند و صلاحیت جهانی مدنی را تنها یک اختیار می‌دانند، نه یک قاعده عرفی الزام‌آور. بنابراین، صلاحیت مدنی جهانی در آمریکا ابزاری مؤثر در جبران خسارت قربانیان و پاسخگویی حقوق بشری است، در حالی که در اروپا همچنان توسعه‌نیافته و محدود باقی مانده است. در حال حاضر، با وجود مقاومت‌ها، ظرفیت تبدیل صلاحیت مدنی جهانی به یک هنجار عرفی، در حال شکل‌گیری است؛ مشروط بر آن‌که کشورهای بیشتری، به‌ویژه در اروپا، آن را بپذیرند و در عمل به‌کار گیرند. در غیر این صورت، این صلاحیت همچنان در محدوده نظری باقی خواهد ماند.

آنچه که مسلم است ناقضان اصلی حقوق قربانیان، دولت‌ها یا مقامات رسمی هستند و با توجه به مصونیت سران دولت‌ها در محاکم داخلی، توسل به موازین حقوق بین‌الملل، تأسیس محاکم مختلط بین‌المللی-ملی، می‌تواند تا حدودی محدودیت‌های مربوط به اقامه دعوا علیه سران دولت‌ها را برطرف نماید. جلب همکاری بیشتر دولت‌ها در این زمینه، مستلزم استفاده بیشتر از سازکارهای حقوق بین‌الملل بویژه اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. اتخاذ یک استراتژی هماهنگ و جهانی در اعمال صلاحیت مدنی جهانی و روشن کردن اصول و قواعد اجرایی آن نه تنها در تمایل دولت‌ها در شناسایی آن و کاهش موانع داخلی کمک‌کننده خواهد بود بلکه در رفع چالش‌های مربوط به ادله اثبات، جمع‌آوری آنها و سهولت دسترسی قربانیان نقض حقوق بشر و مقابله با هر نوع خلأ تقنینی، قضایی و اجرایی در این زمینه نقش بسزایی خواهد داشت.

فهرست منابع:

الف) منابع فارسی:

کتاب‌ها:

- ۱- تاموشات، کریستیان. حقوق بشر. مترجم حسین شریفی طراز کوهی. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶.
- ۲- عسگری، یدالله. مسئولیت حمایت تحول حاکمیت در پرتو جنبش‌های حقوق بشری، تهران: میزان، ۱۳۹۶.
- ۳- شیخ‌اسلامی، عاطفه. سیاست جنایی تقنینی ایران در تعامل و تقابل با اسناد بین‌المللی، تهران: میزان، ۱۴۰۳.

مقالات:

- ۱- بهمن تاجانی، شهرام. «حاکمیت و مسئولیت در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری». فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست جهانی، ۴، ۱ (۱۳۹۴).
- ۲- جمشیدی، محمدحسین، احمد سلطانی‌نژاد و نیکبود معصوم‌زاده. «ارزیابی نظری رابطه مسؤلیت حمایت و حاکمیت دولت‌ها از منظر سازه‌نگاری». تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۲۶ (۱۳۹۵).
- ۳- رضایی، حجت‌الله، محمدعلی مهدوی ثابت. «منشأ و مشروعیت اعمال اصل صلاحیت جهانی در دادگاه‌های ملی برای تعقیب جنایات بین‌المللی». پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۷ (۱۴۰۰).
- ۴- زحمتکش، امین، مجتبی جانی پور و مهین سبحانی. «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به عفو جرائم بین‌المللی از منظر قاعده منع محاکمه مجدد». مجله آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۰ (۱۳۹۴).
- ۵- شریعت باقری، محمد جواد. «اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری». نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۲۸ (۱۳۸۲).
- ۶- صادقی، دبدخت. «مسئولیت بین‌المللی حمایت و حاکمیت دولت‌ها». پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۶ (۲۲) (۱۳۹۲).
- ۷- فروغی، فضل‌الله. «موانع و محدودیت‌های تعقیب داخلی جرایم بین‌المللی». مجله مطالعات حقوقی، ۲ (۲) (۱۳۸۹).
- ۸- محمدی، کریم، هیبت‌الله نژندی منش، سوده شاملو. «جایگاه مفهوم دکترین مسؤلیت حمایت در اصول و مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر حقوق اداری». فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۶ (۱۸) (۱۴۰۳).
- ۹- مقتدر، هوشنگ. «صلاحیت دولت‌ها و انواع آن»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲۶ (۱۳۷۰).
- ۱۰- مقصودی پاشاکی، رضا. «بررسی تطبیقی نزاکت و رفتار متقابل در شناسایی احکام خارجی در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی». دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۱ (۱۴۰۱).

پایان‌نامه‌ها:

- ۱- خداداد، زهرا. صلاحیت جهانی و حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۱.
- ۲- نظریانی، نیلوفر. تعمیم اصل صلاحیت جهانی بر دعاوی مدنی در موارد نقض‌های فاحش حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

(ب) منابع خارجی:

#### Books:

- 1-Aidan Hehir. *The Responsibility to Protect: Rhetoric, Reality and the Future of Humanitarian Intervention*, 2012<sup>th</sup> Ed. China: Palgrave Macmillan, 2012.
- 2-Meron, Theodor. *Humanization of International Law*, The Hague Academy of International Law. Martinus Nijhoff, 2006.
- 3-Evans, Gareth. *The Responsibility to Protect in Environmental Emergencies*, Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law) 103 (2009).
- Rougier, Antonie. *La théorie de l'intervention d'humanité*, Revue Générale de International Public, 4(2016).

#### Articles:

- 1-Abdelkarim, Yassin Abdalla. "A Multi-Dimensional Approach to Impose Universal Jurisdiction in International Legal Practice." *International Journal of Law in Changing World* 3, 1(2024).
- 2-Abdelkarim, Yassin Abdalla. "Employing the Responsibility to Protect (R2P) to Impose Universal Jurisdiction Regarding Cyber-Terrorism." *Journal of Digital Technologies and Law* 1, 4(2023).

- 3-Bellamy, A. J. "Humanitarian Responsibilities and Interventionist Claims in International Society". *Review of International Studies*, 29, 3(2003).
- 4-Bettauer, Ronald. "Collecting Claims and Evidence of Damage by Russia's Invasion of Ukraine." *ASIL Insights* 27, 7 (2023).
- 5-Bianchi, Andrea. "Ferrini v. Federal Republic of Germany." *American Journal of International Law* 99, 1(2005).
- 6-Bradley, Curtis A. "International Law in the U.S. Legal System". 2nd ed. Oxford: *Oxford University Press*, 2019.
- 7-Breuer, Marten. "The Register of Damage for Ukraine: A Promising First Step towards Reparation?" *Revue des droits de l'homme (RDLF)*, 29(2024).
- 8-Bucher, Andreas. "La compétence universelle civile en matière de réparation pour crimes internationaux. Annuaire" *Institut de droit international, Session de Tallinn*, 76 (2015).
- 9-Byers, Michael. "The Law and Politics of the Pinochet Case." *Duke Journal of Comparative and International Law*, 2000.
- 10-Dannenbaum, Tom. "A Special for the Crime of Aggression?" *Journal of International Criminal Justice* 20, 4 (2022).
- 11-Davidson, Natalie R. "Shifting the Lens on Alien Tort Statute Litigation: Narrating US Hegemony in Filártiga and Marcos." *The European Journal of International Law* 28, 1(2017).
- 12- Donovan, Donald Francis, and Anthea Roberts. "The Emerging Recognition of Universal Civil Jurisdiction." *The American Journal of International Law* 100 (2006).
- 13-Feinstein, Lee, and Anne-Marie Slaughter. "A Duty to Prevent." *Foreign Affairs* 85,1 (2004).
- 14-Gareth, Evans. "The Responsibility to Protect, ending Mass Atrocity crimes Once and For All". *Bookings Institutional press*, 2009
- 15-Gattini, Andrea. "War Crimes and State Immunity in the Ferrini Decision." *Journal of International Criminal Justice* 3, 1 (2005).
- 16-Hall, Christopher Keith. "The Duty of States Parties to the Convention against Torture to Provide Procedures Permitting Victims to Recover Reparations for Torture Committed Abroad." *European Journal of International Law*, 1 (2007).
- 17-Kaisar Ahmed, Sarder. "Legality and Challenges of Responsibility to Protect in prevention of Mass Atrocities", University of Asia Pacific, *Journal of Law and Policy*, 7(2022).
- 18-Kamminga, T. Kamminga, "Universal Civil Jurisdiction: Is It Legal? Is It Desirable?" Proceedings of the Annual Meeting. *American Society of International Law*, 99(2005).
- 19-Kazazi, Mojtaba. "United Nations Compensation Commission and Liability for Use of Force." In *Reparation for Victims of Armed Conflict: Impulses from the Max Planck Trialogues*, edited by Christian Marxsen and Anne Peters, *Heidelberg Journal of International Law* 78, 3(2018).
- 20-Kingle, Onu. "The Legal and Institutional Challenges to Implementation of the R2P Principle". *ABUAD Law Journal*, 7, 1(2019).
- 21-Lawrence, Jessica. "Kiobel and the Commission." *European Law Blog*, October 15, 2012.
- 22-Masadeh, Mais. "One Court at Time: Challenges of universal Jurisdiction and Enhancing International Justice (Lessons Learned Through AL-Khatib Trial )", *Volkerrechtsblog*, 2022.
- 23-McGonigle Leyh, Brianna. "Using Strategic Litigation and Universal Jurisdiction to Advance Accountability for Serious International Crimes." *The International Journal of Transitional Justice*, 16 (2022).
- 24-Myaskovskaya, Margaret. "Universal Criminal Jurisdiction: Why It Matters." *Fordham International Law Journal* 1 (2024).
- 25-Osman, Linda. "Reflections on the Dabbagh Case: Challenges and Implications for Justice." *Global Responsibility to Protect*, 17 (2025).
- 26-Perkowski, Alexander, and Lulu Mansour. "Personal Jurisdiction in Fuld v. PLO and U.S. v. PLO (analyzing the Court's departure from traditional minimum contacts analysis)." *Lawfare*, May 29, 2025.
- 27-Rojszczak, Marcin " e-Evidence Cooperation in Criminal Matters from an EU Perspective", *Modern Law Review*, 2022.
- 28-Roper, Steven D. "Applying Universal Jurisdiction to Civil Cases: Variations in State Approaches to Monetizing Human Rights Violations." *Global Governance*, 24 (2018).
- Theses:**
- 1-R. Keeler. "The Kigali Principles on the Protection of Civilians; Evaluating the Kigali principles from a historical perspective on UN peacekeeping missions." Master's Program in Public International Law, Utrecht: Utrecht University.
- Cases:**
- 1-AI-Adsani v. Kuwait, 107 ILR 536 (C.A. 1996).
- 2-AI-Adsani v. United Kingdom, App. No. 35763/97, (2001-XI) European Court of Human Rights 40, 66–67 (Nov. 21, 2001).
- 3-CC/Devas (Mauritius) Ltd. V. Antrix Corp. Ltd., Supreme Court of the United States, 5 June 2025.
- 4-Corrie v. Caterpillar, Inc., 403 F. Supp. 2d 1019, 1032–1033 (W.D. Wash. 2005).
- 5-Daimler AG v. Bauman, 571 U.S. 117 (2014).
- 6-Doe v. Liu Qi, op. cit/ 1306.
- 7-Filartiga v. Pena-Irala, 630 F.2d 876 (2d Cir. 1980).

- 8-Fuld et al. v. Palestine Liberation Organization et al., No. 20-24, Supreme Court of the United States, argued April 1, 2025, decided June 20, 2025.
- 9-Jones v. Saudi Arabia, [2004] EWCA (Civ) 1394.
- 10-Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Co., 569 U.S. 108 (2013).
- 11-Mohamad v. Palestinian Authority, 566 U.S. 449 (2012).
- 12-Murray v. The Schooner Charming Betsy, 6 U.S. (2 Cranch) 64 (1804).
- 13-Nait-Liman v. Switzerland, App.No.51357/07, Grand Chamber, European Court of Human Rights, 15 March 2018.
- 14-Nicaragua v. United States of America, Judgment of 27 June 1986, ICJ Reports 1986.
- 15-Owens v. Republic of Sudan, 374 F. Supp. 2d 1, 26–28 (D.D.C. 2005).
- 16-Sosa v. Alvarez-Machain et al., 542 U.S. 692 (2004).
- 17- S.S. Lotus (France v. Turkey), Judgment of 7 September 1927.
- 18-Ungaro-Benages v. Dresdner Bank, A.G., 379 F.3d 1227, 1239 (11th Cir. 2004).
- 19-Wiwa v. Royal Dutch Petroleum Co., 226 F.3d 88 (2d Cir.2000).
- 20-Whiteman v. Dorotheum GmbH & Co. KG, 431 F.3d 57, 74 (2d Cir. 2005).